

انتشار پنجاه سفرنامه حج از دوران قاجاری

مطالب زیر گفت و گویی است از سوی کتاب الف (شماره ۸۱ ویژه نامه هنر) با مورخ نامی، حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای رسول جعفریان که طی بیست سال گذشته، دهها سفرنامه حج را تحقیق و منتشر کرده و اکنون تصمیم گرفته است با گردآوری هر آنچه خود و دیگران از دوره قاجاری چاپ کرده اند را در مجموعه ای فراهم آورد که تا کنون پنجاه سفرنامه را در مجموعه ای هشت جلدی به چاپ رسانده و در اختیار علاقمندان قرار داده است تا ذخیره ای شود برای ادب حج در زبان فارسی...

* تاریخچه‌ای از پژوهش‌های مربوط به نسخه‌شناسی و چاپ منقح سفرنامه‌های حج در ایران ارائه دهید. ویژگی‌های این کار و به‌خصوص سختی‌های آن چیست؟ با توجه به این که چند سالی است، به‌طور خاص به این موضوع می‌پردازید، بفرمایید از چه زمانی است که با سفرنامه‌های حج سر و کار دارید؟

* بنده از سال ۱۳۷۱ که برای اولین بار به حج مشرف شدم، تصمیم گرفتم هر سال مطلبی؛ اعم از کتاب یا مقاله در بارهٔ مباحث حوزهٔ حج بنویسم. البته نمی‌توانستم چیزی دربارهٔ فقه حج بنویسم اما در حوزهٔ آثار اسلامی مکه و مدینه و همین‌طور مباحث دیگری که نزدیک به این حوزه بود، امکان نوشتن وجود داشت. اساساً رفتن بنده به حج به خاطر دعوت حاج آقای قاضی عسکر بود که اکنون نمایندهٔ ولی فقیه در حج و زیارت هستند. ایشان خواستند تا کتابی در بارهٔ آثار اسلامی مکه و مدینه بنویسم و بنده هم استقبال کردم. این را هم بگویم که ایشان حق بزرگی در نشر آثار مربوط به حج در این دو دهه دارند.

به هر حال دعوت شدم که به نگارش کتاب حج آن سال بپردازم. این سنتی بود که حاج آقای ری شهری بنیاد گذاشت و قرار شده بود که هر سال یک کتاب به عنوان گزارش کامل حج نوشته شود. بیست سال حج آقای ری شهری، حاصلش بیست جلد کتاب شد که عالی بود. سال ۷۱، ۷۲ و ۸۲ را بنده نوشته‌ام. البته دو مورد اول مشترک بود. سال ۷۱ را با آقای محمدعلی خسروی نوشتم و سال ۷۲ را با دوست عزیزم آقای محمدعلی مهدوی راد. مقصودم آن بود که از سال ۷۱ دستم به نگارش در بارهٔ حج باز شد. آثار اسلامی مکه و مدینه بارها تجدید شد و امسال چاپ مفصل تازه‌ای از آن را ارائه خواهم کرد.

در طول این بیست سال، تقریباً همه ساله مقالات و کتاب‌هایی نوشتم و یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های نگارشم، سفرنامه‌های حج بود. البته پیش از بنده سفرنامه‌های حج فراوانی چاپ شده بود؛ مانند سفرنامهٔ فرهاد میرزا و امین الدوله. بنده کوشیدم تا در این زمینه کار مفصل‌تری ارائه کنم. از سال ۱۳۷۴ بود که به تدریج چاپ سفرنامه‌ها را آغاز کردم. سفرنامهٔ منظوم بانوی اصفهانی یکی از اولین‌ها و بهترین‌ها بود. آن سفرنامه، یک تحفهٔ ادبی ارزشمند در میان متون برجای مانده در حوزهٔ ادبیات سفرنامه، آن هم از زنان است. بعد از آن، همچنان ادامه یافت و آثار فراوانی در این زمینه چاپ کردم. نه فقط در حوزهٔ حج ایرانی، بلکه آثار عربی زیادی

را هم مرور کردم و در معرفی سفرنامه‌های آنان یا تواریخ قدیم مکه و مدینه کتاب نوشتم. حتی در حوزه ترکی هم به خاطر آشنا شدن با خانم اسرا دوغان، کارهایی به طور مشترک داشتیم که آن‌ها اغلب در فصلنامه «میقات حج» چاپ شده است.



*** فکر جمع آوردی سفرنامه‌های حج قاجاری در یک مجموعه مفصل از کجا آمد؟ مخاطبان این مجموعه بیشتر چه کسانی**

هستند؟ سختی‌ها و اهمیت فراهم آوردن چنین مجموعه‌هایی در چیست؟

از آغاز به گردآوری متون مربوط به یک حوزه فکری علاقه‌مند بودم. یک بار شمار زیادی از رساله‌هایی را که در باره نماز جمعه در دوره صفوی نوشته شده، گردآوردم و در یک جلد چاپ کردم. بار دیگر تمامی رساله‌های حجابیه را - که از بعد از مشروطه تا سال ۱۳۴۸ (سال انتشار مسأله حجاب استاد مطهری) بود - در دو مجلد چاپ کردم. همچنین رساله‌های سیاسی دوره پهلوی را در دو مجلد انتشار دادم. هدفم از این کار این است که ادبیات نگاشته شده در یک حوزه را گردآوری کنم تا محققان آن حوزه بهتر بتوانند در آن زمینه تحقیق کنند. کار سفرنامه‌ها هم ادامه همین فکر بود.

ادبیات حج، ادبیات گسترده‌ای است و انتشارات مشعر در طول بیست سال گذشته در احیای آن نقش زیادی داشته است. فصلنامه «میقات حج» در این زمینه خیلی فعال عمل کرد. بنده شاید حدود شصت مقاله در این فصلنامه دارم. تلاش خودم این بوده که حوزه ادبیات حج را گسترش دهم. این فکر سبب شد تا به فکر گردآوری سفرنامه‌های قاجاری بيفتم که بسیار گسترده است. پنجاه سفرنامه را در مجموعه‌ای هشت جلدی چاپ کردم. الآن دست کم به اندازه یک جلد هشتصد صفحه‌ای دیگر مطلب دارم که به تدریج چاپ خواهم کرد تا روزگاری فرصت شود و یک جلد یا دو جلد ضمیمه آن شود.

مخاطبان این مجموعه، محققان و پژوهشگرانی از رشته‌های مختلف هستند که می‌توانند مواد اولیه کارهای پژوهشی خود را در این آثار بیابند. علوم اجتماعی، جغرافی، تاریخ، مسائل فرقه‌ای و ملل و نحلی و بسیاری از گرایش‌های دیگر که پژوهشگران آن حوزه‌ها

می‌توانند از سفرنامه‌ها استفاده کنند. اما در بارهٔ سختی‌های کار، باید گفت سختی در کار پژوهشی معنا ندارد. شیوهٔ کارم اینگونه بود که نسخه‌یابی می‌کردم و به تصحیح و تایپ آنها می‌پرداختم و برای آنها مقدمه می‌نوشتم. نمی‌گویم کار نهایی کرده‌ام، اما می‌توانم ادعا کنم که گامی نسبتاً تازه در حوزهٔ ادبیات حج برداشته‌ام. البته من می‌توانستم فقط سفرنامه‌هایی را که خودم تصحیح کرده بودم در این مجموعه بیاورم، اما این کار کاملی نبود. لازم بود تا این مسیر را از اول تا آخر دنبال می‌کردم. بنابراین، هر سفرنامه‌ای را به نام مصحح آن آوردم و حاصل کار خودم را هم که بیش از نیمی از آن است در کنار آنها قرار دادم تا یک مجموعهٔ کامل شود.

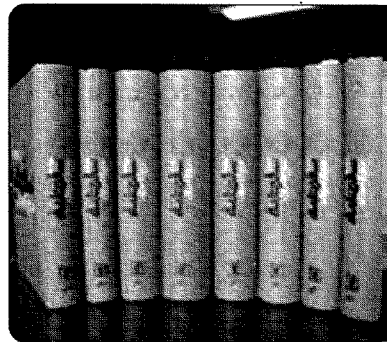
*** علت این‌که یک سفرنامه از دورهٔ پیش از قاجار نیز در ابتدای این مجموعه گنجانده‌اید چیست؟**

از این جهت که دو - سه سفرنامهٔ پیش از قاجار را نیاورده‌ام، قدری متأثر شدم. اما باز خوب شد که یکی از آنها در این مجموعه آمد تا تفاوت نگارش سفرنامه‌های پیش از عصر قاجار - که متأثر از روش‌های سنتی سفرنامه نویسی بوده - با سفرنامه‌های قاجاری معلوم شود. سفرنامهٔ کشمیری مربوط به دوره نادری و از یک مسلمان هندی است که پس از فتح دهلی همراه نادر به ایران آمد و سپس به حج رفت. با این حال باید بگویم که سفرنامه نویسی پیش از ایران قاجاری، در هند باب شد و شاید - و این یک احتمال است - متأثر از برخی حضور اروپایی‌ها بوده است. حتی سفرنامه سال ۱۲۳۰ - ۱۲۳۱ هجری ما هم به رغم این‌که از دورهٔ قاجاری است اما باز از حافظ عبدالحسین کرناطکی یک شاهزاده هندی از اهالی کرناطه است، البته شیعهٔ بسیار جدی است.

*** اصلاً اهمیت سفرنامه‌های حج را بیش از هر چیز در چه می‌دانید؟ پیشنهادهای پژوهشی شما درباره این موضوع چیست؟ از نیازها و کمبودها و پیشرفت‌هایی که در این راه حاصل شده سخن بگویید.**

در درجه اول، سفرنامه‌ها از آثار مکتوب جماعت ایرانی است و در شمار میراث علمی ما

در حوزه تاریخ و سفرنامه‌نویسی محسوب می‌شود. ما وظیفه داریم میراث خودمان را در بخش‌های مختلف زنده کنیم و این همه، گام بسیار کوچکی بود که بنده در این زمینه برداشتم. اما اهمیت سفرنامه‌ها چیزی نیست که کسی به آن توجه نداشته و بنده بخوام درباره آن شرح و بسط دهم! یک سفرنامه بسته به این که توسط چه کسی، با چه دیدگاهی و مهم‌تر از همه با چه هدفی نوشته شده، اهمیت دارد. این را برای این جهت عرض می‌کنم که هدف تعیین می‌کند که نویسنده چه نوع اطلاعاتی را درج کرده است.



اما این که چه کسی باشد، مسلماً اگر ناصر خسرو و سفرنامه بنویسد غیر از این است که مثلاً عضدالدوله یا ناصرالدین شاه بنویسد. آنچه به عنوان نقطه مشترک در این سفرنامه‌ها اهمیت دارد، توضیحاتی است درباره فرهنگ‌های مختلف، آداب و رسوم اجتماعی، آگاهی‌های مربوط به راه‌ها و منزل‌ها، اطلاعاتی درباره جمعیت شهرها، مذاهب آنان، آثار تاریخی ایشان و بسیاری از مسائل دیگر.

توجه کنید که سفرنامه‌های فرنگی‌ها از دوره صفوی، چه اندازه اطلاعات اجتماعی به ما می‌دهد که اصلاً در منابع ما نیامده است. اما در بخش حج، سابقه سفرنامه‌نویسی عرب‌ها طولانی است به خصوص مغربی‌ها سفرنامه‌های فراوانی از قرن هشتم و نهم به بعد دارند. آن‌ها هم راه طولانی می‌آمدند و چون صوفی مسلک بودند در هر شهری در باره قبور مشایخ و اولیا و دیدار با اساتید اطلاعاتی را در اختیار ما می‌گذاشتند. ایرانی‌ها در دوره قاجار سفرنامه نویس شدند و آن هم تحت تأثیر فرنگی‌ها بود. البته سنت سفرنامه‌نویسی مختصری هم داشتند. همین‌طور از عثمانی‌ها و منازل نامه‌های آنان نیز چیزهایی فرا گرفتند. اصولاً عرض کنم سفرنامه‌نویسی نوعی پیشرفت تمدنی محسوب می‌شود؛ یعنی همین که شما تنوع در فرهنگ را ملاحظه می‌کنید و به آن توجه دارید و اهمیت نگارش در باره آن را درک می‌کنید؛ به این معنا است که قدری در دنیای باز قدم گذاشته‌اید. فرنگی‌ها پیشرفت خود را با کشتی و سفر و سفرنامه‌نویسی و جهانگردی آغاز کردند. از لاک خود در آمدند و ملت‌های دیگر را هم آدم حساب کردند، آدم در این حد که فرهنگ آنان را بشناسند و از آن بهره ببرند.

خلاصه، باید بگویم سفرنامه‌ها حاوی اطلاعات منحصر به فردی هستند؛ زیرا در بسیاری

از موارد، از شهرها و روستاهایی سخن می‌گویند که یک سطر هم در باره آن‌ها مطلبی بر جای نمانده است.

*** بر اساس این سفرنامه‌ها یک تصویر کلی برایمان ترسیم کنید از آغاز تا پایان سفر حجی که یک ایرانی دوران قاجار عازم آن می‌شد.**

شما تصور کنید که یک سفرنامه‌نویس، مانند امروز که فیلم می‌سازند، در صدد است تا یک فیلم از سفر خود ارائه کند. البته مثل هر فیلمنامه نویسی، گاه مفصل و چند قسمتی و گاه کوتاه می‌نویسد. برای این کار جزئیات سفر را گزارش می‌کند. این جزئیات بیش از همه مربوط به اتفاقات و توصیفاتی است که در طول راه برای او رخ می‌دهد. تصور این سختی‌ها امروز برای ما دشوار است. فاصله مکه و مدینه که امروز در شش ساعت طی می‌شود در ده تا دوازده روز طی می‌شده است. هر روز سه تا پنج نوبت سوار شتر شده یا پیاده می‌شدند. بیماری‌ها، خورد و خوراک‌ها، گرما و سرما، مهم‌تر از همه بی‌آبی، رد شدن از تنگ‌ها و سراشی‌ها، حمله اعراب بدوی و ده‌ها مشکل دیگر مطالبی است که سفرنامه نویس آن‌ها را می‌نویسد و شما را در جریان جزئیات آن‌ها قرار می‌دهد. البته در شهرهای بزرگ و متمدن؛ مانند استانبول، اطلاعات از نوع دیگری است. به‌طور معمول، در این مراکز، سفرنامه نویس ایرانی به فکر مقایسه وضعیت محل زندگی‌اش در ایران با این شهرها است. بیشتر سفرنامه‌هایی که در مسیر باکو به سمت تفلیس و سپس استانبول و گاهی اسکندریه و قاهره نوشته شده، این وضعیت را دارد.

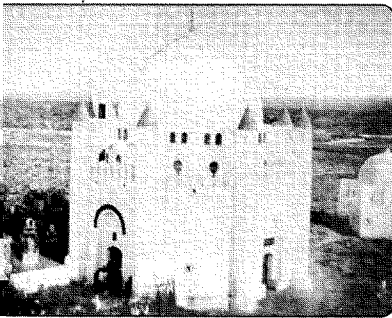
*** تراکم سفرنامه‌های این مجموعه، بیشتر مربوط به چه سال‌هایی است؟ از نظر خود شما مهمترین سفرنامه‌های این مجموعه کدام‌اند؟**

بیشتر این پنجاه سفرنامه، در فاصله سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ ق. نوشته شده و این دوره اوج سفرنامه نویسی است. بعد از آن همه، نگارش سفرنامه‌های حج ادامه دارد اما در آن حد و به آن اهمیت هم نیست. پیش از آن هم آثاری هست که در آنجا آورده‌ام. در ضمن، این نکته را هم بیفزایم که سفرنامه نویسی در دوره قاجاری، منحصر به حج نیست، بلکه

سفرنامه‌های مربوط به عتبات هم فراوان است. چنان‌که چندین سفرنامه از مشهد هم در دست است. سفرنامه‌های داخل کشور به سمت جنوب و شمال هم متعدد است. باید فهرستی از این سفرنامه‌ها با دقت منتشر شود تا معلوم شود چه میراثی در این زمینه در اختیار داریم. از نظر اهمیت، البته آن‌ها که مفصل‌تر هستند و اطلاعات ریزتری در اختیار گذاشته‌اند بهتر هستند. اما برخی از این‌ها عالی است. حج منصور از آن دسته است؛ زیرا در دادن اطلاعات دقیق با نگاه متفاوت امتیاز دارد. این را هم بیفزایم که تبریزی‌ها در نگارش این سفرنامه‌ها جلوتر از بقیه هستند و آثار قابل توجهی دارند.

*** سفرنامه‌های این مجموعه بیشتر آفاقی است یا انفسی؟ تفاوت سفرنامه‌نویسی درباریان با علما و دبیران چیست؟ هر دسته بیشتر به چه نکاتی توجه داشته‌اند؟**

سفرنامه‌های قاجاری، بیش از همه آفاقی است نه انفسی؛ یعنی دستمایه‌های عرفانی ندارد. به عکس نوشته‌هایی که در این زمینه از دوره صفوی داریم. آن‌ها بیشتر درون‌نگر است و سعی می‌کند یک تجربه عرفانی را به نمایش بگذارد. دلیلش این است که سفرنامه نویسی قاجاری متأثر از اروپایی‌ها و هدف اصلی آن ارائه اطلاعات در باره راه‌ها و دشواری‌های این سفر است. آن‌ها می‌خواهند این راهنمایی را در اختیار مسافران بعدی قرار دهند، به همین دلیل نگاه معنوی و برداشت‌های عبرت‌آموز ندارند. البته تفاوت میان طبقات مختلف در نگارش هست. معمولاً این سفرنامه‌ها از اشراف دولتی است و کمتر از علماست. البته نمونه‌های علمایی هم بیشتر از دو سه دهه اخیر قاجاری داریم. برخی از آن‌ها هم از کدخداهای محلی است. نمونه روشن آن، سفرنامه‌ای از خان قشقایی یا سلیم خان کرد سنی است که نمونه‌های جالبی است. تفاوت کارمندان دین پایه دولتی هم با وزرایی مثل امین الدوله یا شخصیت‌هایی مثل فرهاد میرزا یا حسام السلطنه آشکار است. افراد اخیر سخت مورد احترام هستند و اتفاق خاصی برای آن‌ها نمی‌افتد، در حالی که طبقات پایین‌تر مشکلات را بیشتر درک می‌کنند. برای شخصی مانند ناصر السلطنه که سخت مورد احترام است، اصلاً سختی‌های برخورد مردم متعصب مدینه در حرم پیغمبر یا بقیع را مشاهده نمی‌کند، چون پول می‌دهد و راحت است! اما بقیه مردم در عذاب بودند و همه



نوشته‌اند که خیلی به آن‌ها سخت گذشته است. یا حسام السلطنه که عموی ناصرالدین شاه بود و سخت مورد احترام!

* سهم زنان در نگارش این سفرنامه‌ها در مقایسه با مردان

چه اندازه است؟

در مجموع سهم آنان اندک است اما همین مقدار که هست عالی

است. بهترین سفرنامه حج از دوره صفوی، متعلق به یک زن ترک

اردوبادی ساکن اصفهان است. می‌دانید مردان اردوبادی و گاه زنانشان، ادیب بودند و از زمان شاه عباس که وارد دربار صفوی شدند تا به آخر در دبیرخانه و جاهای دیگر فعالیت داشتند. شوهر این زن هم رقم نویس بوده؛ یعنی احکام و فرامین را انشا می‌کرده است.

زن زمان شاه سلطان حسین به حج رفته و در ۱۴۰۰ بیت سفرنامه گفته که اثر بی نظیری است. البته آن را جدا چاپ کرده‌ام. اما در دوره قاجاری سفرنامه بسیار مهمی است از دختر فرهاد میرزا به نام عصمت السلطنه که در سال ۱۲۹۷ مکه رفته است. دیگری که نهایت اهمیت را دارد، از یک زن کرمانی است که متأسفانه اسمش را نمی‌دانیم اما به او بانوعلویه کرمانی می‌گوییم و در سال ۱۳۰۹ به حج و سپس عتبات رفته است. دیگری زن ناصرالدین به نام وقار الدوله است که سال ۱۳۱۷ ق. چهار سال بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به حج رفته و این‌ها آثار بسیار با ارزشی است.

* انعکاس روابط ایران و عثمانی در این سفرنامه‌ها چگونه است؟

این سفرنامه‌ها اغلب مربوط به دوره آرامش میان ایران و عثمانی است. در واقع در دوره قاجاری منازعه خاصی وجود ندارد؛ به عکس، دوره صفوی که عثمانی‌ها، ایرانی‌ها را جاسوس تلقی می‌کردند، در دوره قاجاری آن قدر مشکل در اروپا و در مواجهه با روسیه دارند که اجازه برخورد مختصر با ایران را هم به خود نمی‌دهند. هم در عتبات و هم حرمین شریفین روابط تقریباً خوب بود. البته اهالی مدینه متعصب بودند و برخورد بد داشتند، اما شرفا؛ یعنی حاکمان حجاز، در مکه برخورد خوبی با ایرانی‌ها داشتند. باید توجه داشت که



عثمانی‌ها تسلط کافی بر قبایل عربی میان راه جبل که راه نجف به حجاز بود نداشتند و آنچه سختی بر ایرانی‌ها اعمال می‌شد از ناحیه این قبایل بود. این‌ها مربوط به عثمانی‌ها نبود.

در هر حال باید توجه داشت که سفرنامه‌ها به دلیل نقل برخی از جزئیات از دیدار شخصیت‌های ایرانی که به حج می‌آمدند، با دولتمردان عثمانی، منبعی برای ارزیابی روابط دو کشور هستند و با مطالعه آن‌ها، می‌توان اطلاعات بسیار سودمندی را در این زمینه به دست آورد.



* اصلی‌ترین و رایج‌ترین مسیرهای حاجیان ایرانی در آن دوره کدام بوده؟ و توضیحاتی بدهید درباره گمرکات و وضع تذکره‌ها.

راه اصلی حج، از عراق به حجاز، همان راهی است که از چند هزار سال پیش میان عراق و حجاز وجود داشته است. بعد از اسلام هم از همان راه استفاده می‌شد. مدت‌ها نام آن راه زیبده بود. زیرا زیبده آن را تعمیر کرده بود. در اواخر صفوی این راه به نام راه جبل مشهور شد که از منطقه‌ای به نام جبل رد می‌شد و سلسله‌ای به نام «آل رشید» در آن حکومت می‌کردند. در قدیم این راه از کوفه به سمت حجاز می‌رفت و در جایی، دو راه می‌شد. یکی به سمت مدینه و دیگری به سمت مکه می‌رفت. ربنده در همین مسیر به سمت مدینه قرار داشت؛ جایی که شترهای حکومت خلفای اول در آنجا به چرا مشغول بودند و عثمان هم ابوذر را به آنجا تبعید کرد. بعدها که حجاج هندی به حج رفتند، از کشتی استفاده می‌کردند. معلوم نیست از چه زمانی ولی در دوره صفوی راه دریا از بندرهای هندوستان به سمت دریای عمان از آنجا به سمت یمن وارد دریای سرخ شده در جده پیاده می‌شدند. ایرانیان هم که در جنوب ایران بودند تا ساحل می‌رفتند و از آن مسیر به حج مشرف می‌شدند. تا اینجا راه جبل بود و راه دریایی. اما در نیمه دوم دوره قاجاری راه جدیدی باب شد که راه شمال ایران به سمت باکو، تفلیس و سپس دریای سیاه بود که با کشتی به استانبول می‌رفتند. حجاج استانبول هم از یک دوره راه زمینی طولانی را کنار گذاشته با کشتی عزیمت می‌کردند. ایرانی‌ها هم در استانبول با کشتی می‌رفتند. این زمانی بود که دریای مدیترانه با زدن کانال سوئز به دریای

سرخ متصل شد. از آن به بعد، این راه مورد استفاده حجاجی بود که دنبال آرامش بیشتری بودند و در عین حال از برخی از شهرهای عثمانی از جمله استانبول دیدار کرده و بسیاری به قاهره و اسکندریه هم می‌رفتند. این راه باعث شد که شمار زیادی ایرانی در آن نواحی ساکن و به تجارت مشغول شدند. البته یک راه دیگر هم از عراق از سمت شمال فرات به حلب و از آنجا به شام بود؛ راهی که اکنون اتوبوس‌های ایرانی از طریق جنوب ترکیه به سمت حلب می‌روند. این راه در دوره صفوی هم مورد استفاده بوده است. برخی از حجاج خوزستانی ما هم به بصره رفته از آنجا وارد بیابان شده به سمت مکه و مدینه می‌رفتند. این که می‌گویند ملاصدرا در راه حج در بصره درگذشت معلوم می‌شود از این راه می‌رفته است.

در سال‌های اخیر شماری از حجاج عراقی از مرز عرعر که در جنوب عراق به سمت عربستان است، از همین مسیر به حج مشرف می‌شدند. حجاج برخی از کشورهای جنوبی خلیج فارس هم از همین راه می‌رفتند.

*** آیا در آن زمان حج متولی دولتی داشته است؟ حجاج ایرانی به طور کلی سرپرستی از طرف حکومت داشته‌اند و یا کاروان‌ها خودشان مسئولیت خودشان را داشتند؟**

در زمان صفویه، حجاج ایرانی «عجم آقاسی» داشتند که البته خیلی رسمی نبوده است؛ یعنی نه در مشاغل حکومتی جایی داشته‌اند و نه در عثمانی به این لقب شناخته می‌شدند. بیشتر شخصیت‌های حکومتی که به حج می‌رفتند، عملاً برخی از کارها را پیگیری می‌کردند. البته آن موقع کارهای حج با رؤسای کاروان‌ها بوده است. از زمانی که ایران نمایندگی در جده درست کرده - و تابع سفیر ایران در استانبول بود - کارهای عمومی توسط نمایندگی ایران در جده دنبال می‌شد. به طور کلی می‌شود گفت که پیش از آن، چنین منصبی برای ایرانیان وجود نداشته است و بعد از آن کارهایی که با دولت عثمانی ارتباط داشته از طریق نمایندگی دنبال می‌شده است. در سال‌هایی هم که یک چهره با نفوذ حکومتی می‌آمد، عملاً واسطه میان حجاج و دولت عثمانی برای حل مشکلات بود.

*** شخصیت حمله‌دارها در این سفرنامه‌ها چگونه توصیف شده و اهمیتشان غیر**

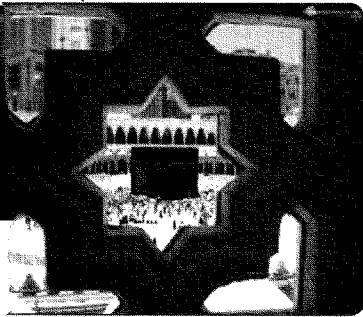
از راه شناسی و حفظ امنیت حاجیان، در چه موارد دیگری بوده است؟

حج گزاری از دوره عثمانی شکل برنامه ریزی شده داشت و کاروانی از استانبول برای حج حرکت می کرد. این کاروان به شام می آمد و از آنجا باز یک پاشای مهم عثمانی که ریاست حج را داشت، به عنوان رییس کاروان آن را هدایت می کرد. شبیه این کاروان محمل مصری بود که آن هم باز زیر نظر عثمانی ها بود. اما ایرانی ها حالت پراکنده داشتند. کسانی در نجف بودند که شتر برای ایرانی ها اجاره کرده و آنان را به حج می بردند. این ها همان نسلی هستند که اندک اندک نام حمله دار به خود می گیرند. بسیاری از ایرانی ها که از طریق انزلی و باکو و تفلیس و استانبول می رفتند گروه های جمعی بودند که خود جوش راه می افتادند و حالت کاروانی منظم نداشتند. این ها بیشتر مردم یک شهر بودند که با هم می رفتند و بر می گشتند. حجاج ایرانی که به شام می رفتند به کاروان شام یا محمل شامی وصل می شدند و سعی می کردند از آن ها جدا نشوند و به شام برگردند. اگر از راه جبل بود باز همان حمله دارهای عرب یا ایرانی کهنه کار بودند که در عراق کار هماهنگی با امیر جبل و گرفتن شتر و پرداخت خواه؛ یعنی مالیات بین راه به اعراب را بر عهده داشتند. به نظر می رسد براساس این سفرنامه ها بتوان سازمان اداره حج را، آن مقدار که منظم و دولتی بوده تا آن مقدار که فردی و پراکنده بود کامل به دست آورد. این کار نیاز به چندین پایان نامه دارد.

*** برخورد بومیان در راه و در شهرهای مکه و مدینه با ایرانیان چگونه بوده**

است؟ عمده ترین شکایت حاجیان در سفرهای حج دوران قاجار چیست؟

مشکل هزار ساله حجاج در طول راه ها، قبایل بدوی بودند که بخشی از رزق و روزی خود را از طریق دزدی از کاروان های حج فراهم می آوردند. این خطر به قدری وحشتناک بود که مثل یک کابوس همیشه بالای سر حجاج بود. آنان هیچ گذشتی برای این کار نداشتند و با انواع راه ها به دزدی و غارت می پرداختند. در این حملات بارها تعداد زیادی از حجاج کشته می شدند و اموالشان غارت می شد. برای این کار، دولت عثمانی و شرفای مکه بارها اقدام کردند، اما حل شدن آن دشوار بود. این قبایل آن اندازه پراکنده و متفاوت بودند که توافق کردن با آن ها هم دشوار بود. شکایت ایرانیان از این حملات فراوان است. پرداختن پول تحت عنوان «خواه» یکی از راه های توافق با این قبایل بود که مردم از آن شکایت فراوان می کردند. اما ساکنان مکه و مدینه هم متفاوت برخورد می کردند.

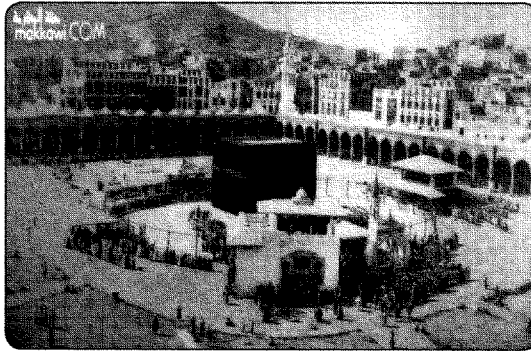


تقریباً اتفاق میان سفرنامه‌نویسان این است که مردم مدینه متعصب بودند و برخورد بدی با عجم داشتند. در مقابل، مردم مکه روشن‌تر بوده و در این زمینه برخورد بهتری داشتند. شکایت حجاج ایرانی از برخورد مردم مدینه بسیار زیاد است و حاکی از آن است که آنان رفتار تحقیر آمیزی با حجاج ایرانی داشتند.

* آیا شیعه بودن حاجیان ایرانی مشکلاتی برایشان به وجود

می‌آورد؟ اگر پاسخ آری است، توضیحاتی بفرمایید؛ مثلاً قضیه رؤیت هلال چه بوده است که ایرانیان تشخیص قاضی مکه را نمی‌پذیرفتند؟

ایرانی‌ها یک تفاوت عمده با زائران دیگر داشتند که شیعه بودند، اما مهم این بود که از زمان عثمانی‌ها روی آن‌ها تبلیغ هم شده و همه به عنوان جاسوس دولت صفوی شناخته می‌شدند. این اواخر صفوی آرام آرام اوضاع رو به بهبودی رفت ولی حتی تا اواخر قرن یازدهم بارها شیعیان در مکه کشته شدند. طبیعی بود که این مشکل نه فقط در مکه و مدینه حتی در طول راه هم بود. البته از زمانی که شیعیان عرب هم به‌طور جدی‌تر به حج آمدند؛ به خصوص در دوره دوم قاجاری که شیعیان لبنان راه افتاده بودند، اوضاع بهتر بود. همین‌طور شیعیان هندی هم که پولدار بودند و چشم عرب‌ها به پول آن‌ها بود مصونیت بیشتر داشتند. در باره ایرانی‌ها مشکل شکل و شمایل و طرز لباس پوشیدن آن‌ها بود که کاملاً متفاوت بود و از این جهت مشکل داشتند. در این اواخر مشکل دیگری هم اضافه شده بود که بسیاری از ازبک‌ها در مکه و مدینه ساکن شده و با ایرانی‌ها دشمنی می‌کردند. گاهی ایرانی‌ها لباس عربی می‌پوشیدند تا مشکلشان کمتر باشد. اما به هر حال در بقیع یا مسجد النبی بیشترین مشکل وجود داشت. از اواخر صفوی شیعیان ایرانی با شیعیان مدینه که به آن‌ها نخاوله گفته می‌شد ارتباط نزدیکتری داشتند و منازل آنان را اجاره می‌کردند و از این جهت در منزل و مسکن کمتر مشکل داشتند. بیشترین مسائل در بقیع بود که آنجا دست یک خانواده سادات سنی سختگیر بود و برای ورود و خروج به حرم ائمه پول می‌گرفتند و اذیت هم می‌کردند. راه حل برخی از بزرگان ایرانی به خصوص در دوره صفوی تقیه بود اما در دوره قاجار کمتر نیاز به این امر احساس می‌شد.



فهرست سفرنامه‌های چاپ شده در کتاب پنجاه سفرنامه حج قاجاری
(به کوشش رسول جعفریان)

جلد ۱

۱. بیان واقع / خواجه عبدالکریم کشمیری / ۱۱۵۴ق.
۲. تحفة الحرمین / محمد رحیم الدین قادری / ۱۲۰۳ - ۱۲۰۴ق.
۳. تذکرة الطریق / حافظ محمد عبدالحسین کرناٹکی / ۱۲۳۰ق.
۴. سفرنامه مکه / محمد ولی میرزا / ۱۲۶۰ق.
۵. سفرنامه مکه / معظمه میرزا جلایر / ۱۲۶۰ق.
۶. بزم غریب / محمدعلی بن محمدرضی بروجردی / ۱۲۶۱ق.
۷. سفرنامه مکه / میرزا علی اصغر خان اعتماد السلطنه / ۱۲۶۳ق.

جلد ۲

۸. سفرنامه مکه / سیف الدوله / ۱۲۷۹ق.
۹. گزارش سفر حج / بانو شاه جهان بیگم / ۱۲۸۰ق.
۱۰. حج منصور / یعقوب میرزای تبریزی / ۱۲۸۵ق.
۱۱. سفرنامه مکه / مؤلف ناشناخته / از سال ۱۲۸۸ق.
۱۲. منازل قمریه در سوانح سفریه / علی حسین بن خیرات علی / ۱۲۸۹ق.

جلد ۳

۱۳. سفرنامه مکه / فرهاد میرزا / ۱۲۹۲ق.
۱۴. الوجیزه فی تعریف المدینه / میرزا محمد مهندس / ۱۲۹۲ - ۱۲۹۴ق.
۱۵. هدایت الحجاج / سید محمدرضا طباطبائی / ۱۲۹۶ق.

۱۶. سفرنامه مکه / نجم الملک / ۱۲۹۶ق.

جلد ۴

۱۷. سفرنامه مکه / حسام السلطنه / ۱۲۹۷ق.

۱۸. سفرنامه مکه / عصمت السلطنه دختر فرهاد میرزا / ۱۲۹۷ق.

۱۹. سفرنامه منظوم حج / مشتری طوسی / ۱۲۹۷ق.

۲۰. سفرنامه مکه / میرزا عبدالحسین خان افشار / ۱۲۹۹ق.

۲۱. تیر اجل در صدمات راه جبل / ناشناخته / ۱۲۹۹ق.

۲۲. سفرنامه مکه / ناشناخته / ۱۲۹۹ق.

۲۳. سفرنامه منظوم حج / ناشناخته / ۱۳۰۰ق.

۲۴. سفرنامه مکه / رحمت الله بن ملاعاشور بخارایی / ۱۳۰۳ق.

جلد ۵

۲۵. سفرنامه مکه / محمد حسین فراهانی / ۱۳۰۲ق.

۲۶. سفرنامه مکه / نایب الصدر شیرازی / ۱۳۰۵ق.

۲۷. سفرنامه مکه و عتبات / میرزا عبدالمجید مجدی / ۱۳۰۵ق.

۲۸. سفرنامه مکه / محمدرضا ظهیر الملک / ۱۳۰۶ق.

۲۹. روزنامه سفر حج / بانو علویه کرمانی / ۱۳۰۹ق.

جلد ۶

۳۰. حج نامه / حاجی سلیم خان تکابی / ۱۳۱۰ق.

۳۱. سفرنامه منظوم حج / ناشناخته.

۳۲. سفرنامه منظوم حج / ناشناخته / ۱۳۱۴ق.

۳۳. سفرنامه مکه / ملا ابراهیم کازرونی / ۱۳۱۵ق.

۳۴. سفرنامه مکه / امین الدوله / ۱۳۱۶ق.

۳۵. گزارش حج سال ۱۳۱۶ق.

۳۶. سفرنامه عتبات و حج / ناشناخته / ۱۳۱۷ق.

۳۷. سفرنامه شهاب / عبدالسلام تربتی / ۱۳۱۷ق.

جلد ۷

۳۸. روزنامه سفر عتبات و مکه مکرمه / وقار الدوله / ۱۳۱۷ق.

۳۹. سفرنامه مکه معظمه / حاجی عبدالله قراگوزلو / ۱۳۱۹ق.

۴۰. سفرنامه حج / رئیس الذاکرین / ۱۳۱۹ق.
۴۱. تفصیل سفر مکه معظمه / مدیر الدوله / ۱۳۲۱ق.
۴۲. سفرنامه مکه معظمه / مخبر السلطنه / ۱۳۲۲ق.
۴۳. سفرنامه مکه / میرزا داود وزیر وظایف / ۱۳۲۲ق.
۴۴. سفرنامه مکه / میرزا علی اصفهانی / ۱۳۳۱ق.
۴۵. سفرنامه مکه / ابوالقاسم مرجانی / ۱۳۳۱ق.

جلد ۸

۴۶. سفرنامه مکه / محمد حسین منشی زاده / ۱۳۳۹ق.
۴۷. سفرنامه مکه / سید فخر الدین جزائری / ۱۳۴۰ق.
۴۸. سفرنامه مکه / ایاز خان قشقائی / ۱۳۴۰ق.
۴۹. سفرنامه حج / سید احمد هدایتی / ۱۳۳۸ق.
۵۰. سفرنامه مکه / لطفعلی خان اعلائی / ۱۳۴۸ق.